

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

محمد عمر قریشی- کابل
۱۰ اکتوبر ۲۰۲۱

انتقام "ملاسالاری" از معارف عصری!

(۲)

شنبه ۱۷ میزان ۱۴۰۰ - کابل:

۵- تجاوز امپریالیستی و اشغال خونبار افغانستان به وسیله امریکا و شرکاء و حاکم ساختن یک دولت مستعمراتی مشارکتی مرکب از جواسیس تکنوکرات و جهادیت های داعی اسلام سیاسی، هر چند در ظاهر از جانب رسانه های وابسته به امپریالیسم، جواسیس تکنوکرات و کوتوله های سیاسی چنان نشان داده می شد که گویا امپریالیسم با تعقیب اهدافی چون ملت سازی و بر بستر آن ایجاد یک دولت مدرن، تأمین حقوق و آزادی های اجتماعی و دموکراتیک از تساوی زنان و مردان گرفته تا آزادی زبان، نگارش و اعتقاد و ... در صد ایجاد ساختمان جدیدی است که در نهایت به ارتباط موضوع مورد بحث ما، نبرد بین مدرسه و معارف عصری را به نفع معارف عصری و بازتاب آن در مناسبات بین ملا و معلم را به نفع معلم خاتمه خواهد داد.

مگر خلاف ظاهر سازی سازی و مدنیت نمائیهای افتضاح آمیز، واقعیت قضیه این بود که اصولاً امپریالیسم با شرکت دادن جهادیت ها در کنار تکنوکراتان جاسوس که هدفی جز تطبیق آرام برنامه های اشغالگران نداشتند، سخت تلاش صورت می گرفت تا حرکات خود جوشی را که می خواست حاکمیت جهل را به نبرد فرا خواند، تحت فشار مرئی و نامرئی قرار داده در بطن نظاره گری اشغالگران که ماسک داعیان دموکراسی و آزادی رسانه ها را بر چهره های پلید شان حمل می نمودند، با برخورد نسبت به مدیر مسؤول نشریه آفتاب "میر حسین مهدوی"، ژورنالیست نامدار افغانستان "غوث زلمی" و حتا محصلان و بقیه اهل رسانه را که قصد داشتند یا راجع به احکام اسلامی بحث نمایند، یا صرف قرآن را به زبان "فارسی-دری" منتشر ساخته بودند و یا هم یکی دو مقاله از پورتال "افغانستان آزاد-آزاد افغانستان" را چاپ و توضیح نموده بودند با صدور احکامی از اعدام گرفته تا زندان عمری با اعمال شاقه، سمت اصلی گرایش کار فرهنگی و دور نمای آینده جامعه را ترسیم می نمودند. در چنین فضائیت که می بینیم:

الف- در برنامه های درسی برای شاگردان نسبت به گذشته تغییرات بزرگی به وجود آمده، ضمن آن که در هر صنفی خواندن سه الی ۴ مضمون "علوم دینی" گنجانیده شده بود، در کتب زبانهای دری و پشتو نیز به جای معرفی شخصیت های ملی، فرهنگی و مبارزاتی کشور ویا هم جهان، معرفی شخصیت مفتخور مذهبی و عقبمانده جایگزین گردید. یعنی علی رغم آن که ظاهراً شاگرد به مکاتب عصری شامل و می بایست متناسب با آموزشهای معارف عصری پرورش می یافتند، مواد درسی قابل تطبیق، معارف عصری را به کاریکاتور معارف عصری و دنباله رو مدارس مذهبی مبدل

ساخته بود. این برخورد دنباله روانه از مدارس تا آنجائی پیش رفت که حتا سروصدای عناصر اخوانی و داعیان اسلام سیاسی را نیز بلند نموده، بزرگترین نمونه این ابراز ضدیت انتقاداتی بود که "حفیظ منصور" یک تن از اخوانی های بنام افغانستان بر مضمون "ثقافت اسلامی" هم از لحاظ گستره تدریس آن و هم از لحاظ محتوای دروس آن وارد نمود. این قلم هم در همان زمام این حرکت "حفیظ منصور" را در سلسله مقالاتی معنون به "کور هم فهمید که دلده شور است" ارزیابی و نقد نمودم که در همین صفحه در ارشیف مربوط به من وجود دارند.

ب- در حالی که بسیار آگاهانه زیر نام مکاتب خیالی از ایجاد مکاتب و محلی برای تدریس معارف عصری جلوگیری به عمل می آمد و در بعضی از مناطق به خصوص کابل کار به جائی کشیده شد که در مکاتب سه نوبت یعنی از ۶ و نیم صبح الی ده و نیم، از ۱۱ الی ۳ و از ۳ و نیم الی هفت و نیم مکاتب فعال شده، روند "مکتب رفتن" برای معلم و شاگرد، چیزی شبیه رفتن به "حمام نمره" شده بود، مصارفی که جهت اعمار مدارس مذهبی در سراسر افغانستان هم از طرف دولت دست نشانده و هم به دستور قدرت های اشغالگر امپریالیستی از جانب کشور های به اصطلاح اسلامی و رقبای منطقه ئی شان صورت می گرفت، سر به میلیارد ها دالرمی زد.

هرگاه خواسته باشیم از مجموع ولایات افغانستان تنها، ولایت هرات را که بنا به ادعای برخی ها نگینی بود بر تاج معارف افغانستان، مد نظر قرار دهیم در حالی که در اکثر مکاتب مربوط به معارف عصری در صورت مساعدت شرایط اقلیمی روزانه سه نوبت شاگرد حاضر می شد و به مانند حمامهای نمره، لباس از تن نکشیده صدای بیرون شوید پاییدو حمام بلند می شد، بیش از ۳ هزار مدرسه دینی در آن ولایت اعمار و افتتاح گردید. امری که همکار عزیز پورتال آقای "موسوی" طی یکی از مقالات شان سالها قبل بر آن انگشت گذاشته از همه پرسید که با سالانه حد اقل ۳۰ هزار فارغ التحصیل ملا، به کجا روانیم؟

هموطنان گرامی!

وقتی این روند را از نزدیک مورد مطالعه قرار می دهیم دیده می شود که استعمار هیچ گاهی نخواست و نمی خواهد تا ریشه های عقیماندگی مذهبی برخاسته از ساختار ماقبل فئودالی و فئودالی را در مستعمره اش از بین ببرد اگر گاهی تبارزاتی از فرهنگ معاصر خود را نشان داده است، اولاً آن تبارزات در مقایسه باخط اصلی تقویت فرهنگ عقیماندگی خیلی ناچیز است در ثانی آنچه زیر عنوان فرهنگ عصری پیشکش می گردد، به جز بی بندوباری ها و هرزگی های لیبرالی چیز دیگری نبوده است.

هموطنان گرامی!

بر مبنای این کار ۲۰ ساله ایدئولوژیک و آمادگی های سیاسی - تشکیلاتی است که وقتی طالب وارد شهر کابل و یا بقیه شهر ها می شود، به کمترین مقاومت و رویارویی از طرف شاگردان معارف عصری مواجه می شود، دلیل آن کاملاً روشن است، شاگرد معارفی که در در دو دهه اخیر تربیت شده در کل به مثابه دست دراز ارتجاع سیاه مذهبی در معارف عصری پرورش یافته از همین رو حاکمیت طالب را به مثابه نابودی خودش نمی بیند. این که در چنین شرایطی فردی مانند "ملا باقی حقانی" می آید و می گوید که آنها به درد نمی خورند حکمش بیشتر بدان خاطر است که درجه ارتجاعیت آن دروس "باقی حقانی" را راضی نمی سازد، نه این که در آنها کمترین اثری از ترقی و انسانیت وجود داشته بوده باشد.

هموطنان گرامی!

در این بحث شاید سؤالی نزدتان به وجود آمده باشد که امپریالیسم چرا و به چه منظور خلاف تظاهر به ضدیت با طالب و طالبیسم، برای استقرار آن، آمادگی فرهنگی می گرفت و چرا می خواست افغانستان را به مرکز ثقل ارتجاع مذهبی مبدل نماید؟ بحثی که در قسمت بعدی این نگاشته پی خواهیم گرفت.

ادامه دارد

**مبارزه علیه امپریالیسم، جز لاینفک مبارزه علیه ارتجاع در کل
و ارتجاع هار مذهبی- طالبی به صورت خاص می باشد
تشکل و تسلیح نیاز و خواست زمان ما!**